

ماجرای هفت تپه

محمود صدری

۱- روایت رسمی این است که مجتمع کشت‌و‌صنعت‌نیشر هفت‌تپه‌ماننددیگر بنگاه‌های دولتی، ناکارآمد و زیان‌ده بوده و دولت تصمیم گرفته از طریق سازمان خصوصی‌سازی آن را به بخش خصوصی واگذار کند. دو بار آگهی مزایده منتشر شده و کسی متقاضی خرید نشده و در پی آگهی سوم، خریدارانی پیدا شده‌اند و مجتمع پس از طی تشریفات قانونی واگذار شده است و پس از واگذاری، در مجموع، وضع مجتمع بهتر شده است.

۲- واقعیت پیش رو این است که پرداخت دستمزد کارکنان به تعویق افتاده و شمار قابل توجهی از آنها دست‌از کار کشیده‌اند و یا تجمع و راهپیمایی خواستار دریافت طلب خود هستند. در این اوضاع و احوال، از پریشانی مدیریتی و غیبت مدیرانی که باید پاسخگوی کارکنان باشند، خبر می‌رسد. این غیبت‌از سویی موجب نگرانی کارکنان طلبکار شده و از سوی دیگر میدان را برای طرح مطالباتی غیر از دریافت دستمزدهای معوقه فراهم آورده است. در این میان شماری از کارگران معترض بازداشت شده‌اند و خودش به موضوع و مشکلی جدید تبدیل شده است.

۳- تصویر رسانه‌ای ماجرا این است که داخل و بیرون مجتمع پرسش‌هایی درباره نحوه واگذاری و خصوصی‌سازی مطرح شده که ظاهراً پاسخ‌های اجمالی سازمان خصوصی‌سازی درباره طی شدن تشریفات قانونی و وعده‌های مدیران مجتمع درباره بهبود اوضاع، موجب اقناع پرسش‌کنندگان نشده است. بلا تکلیفی‌ها و طولانی شدن زمان اعتراض کارکنان، رفته‌رفته «مشکل کارگران» را به «مسئله عمومی» تبدیل کرده و پای صاحب‌منصبان استان را به ماجرا باز کرده و صدهای اعتراضی در حال نضج گرفتن است.

۴- نتیجه سیاسی- اجتماعی رخدادهای بالا این شده است که نابسمانی اوضاع مجتمع هفت‌تپه بحث درباره خصوصی‌سازی چند بنگاه دیگر را که دستمزد کارکنانشان به تعویق افتاده سر زبان‌ها انداخته و حال این پرسش در حال فراگیر شدن است که آیا کل برنامه خصوصی‌سازی تصمیم ناصوابی بوده یا اینکه فقط در برخی موارد خصوصی‌سازی نحوه طراحی و اجرا و نظارت پس از واگذاری ایراد داشته است.

۵- چرا چنین شد و چه باید کرد؟ خصوصی‌سازی هرگز در هیچ‌جای جهان از ارکان اقتصاد آزاد نبوده است، بلکه تمهیدی موقتی و اضطراری و دارویی تلخ برای درمان درد مهلک اقتصاد دولتی بوده و هست. رکن بنیادی اقتصاد آزاد، حکومت قانون و برابری فرصت‌های کسب و کار و پاسداری جانانه نهادهای حاکمیتی از «حق»‌های چهارگانه مالکیت است: حق تملک، حق استفاده، مایملک، حق انتقال مایملک و حق برخورداری همگانی از سه مورد قبلی. این حقوق که از ارکان بنیادین فضای کسب و کار است از دیرباز در ایران نادیده گرفته شده است. بر اثر همین غفلت از حق مالکیت که دولتی‌سازی‌های گذشته اوج آن بود، اکنون بخش بزرگی از سرمایه‌های کشور تحت عنوان دولتی و عمومی، با شیوه‌های ناکارآمد و پرهزینه و کم‌بازده اداره می‌شوند و همین عوارض هنگام واگذاری آنها به بخش خصوصی، به مالک خصوصی منتقل می‌شود. واحدهای صنعتی بزرگی که تاکنون به بخش خصوصی منتقل شده‌اند، غالباً نیروی کار مازاد، فرسودگی ماشین‌الات، بدهی‌های آشکار و پنهان و تعهدات بی‌حد و حصر داشته‌اند.

مالکان خصوصی با این تصور خیال‌پردازانه یا پیش می‌گذارند که تولید این واحدها را بهینه کنند، مادر عمل با همان تعهدات مدیران دولتی مواجه می‌شوند با این تفاوت که مدیران دولتی به سرچشمه‌های سوبسید دولتی متصل‌اند، اما بنگاه‌های خصوصی -به‌درستی- چنین امکانی در اختیار ندارند. نتیجه این خصوصی‌سازی و واگذاری روشن است. مالک و مدیر جدید اجازه کوچک‌سازی و تحرک‌بخشی به بنگاه خود را ندارند و ناگزیر است کماکان به تعهدات دولت‌ساخته و در نتیجه ناکارآمدی بنگاه ادامه دهد.

در واقع مالکیت‌های برآمده از خصوصی‌سازی و واگذاری بنگاه‌های دولتی، مالکیت‌های ناقص و مشروط‌ننده مالکیت کامل و نامشروط. آنچه تاکنون در واگذاری بنگاه‌های بزرگ رخ داده و موجب آشفتنگی فضای اقتصادی و اجتماعی و گاهی حتی فضای سیاسی شده، همین بوده است. در واقع غالب خصوصی‌سازی‌ها، به علت اینکه قبل از بهسازی فضای کسب و کار و آزادسازی و تحکیم حکومت قانون و حق مالکیت اجرا شده‌اند، به نتایجی ناگوار انجامیده و موجب رقم خوردن معامله‌ای دو سر باخت شده‌اند. یک سبوی این معامله دولت بوده که اموال عمومی را واگذار کرده و تصور غالب این است که چوب حراج به اموال عمومی زده و امنیت شغلی کارکنان بنگاه‌های واگذار شده را به خطر انداخته است.

ثبات بانکی لازمه ثبات اجتماعی و سیاسی است

ضرورت‌های مداخله دولت در بحران بانکی



مهدی بختیار

با توجه به حیاتی بودن حفظ ثبات مالی و اقتصادی و به جهت حفظ ثبات اجتماعی و سیاسی در برهه حساس فعلی منفعت خالص فرایند مداخله در پیشگیری از بروز بحران بانکی مثبت است.

بحران بانکی می‌تواند حادثه‌ای ناگوار و تلخ باشد. بحران‌ها به طور ناگهانی ظهور می‌کنند که ناشی از وقایع مرتبط و نامرتبط با تغییرات ناگهانی در درک کارگزاران اقتصادی در مورد صحت و سلامت بخش بانکی است. در این وضعیت هدف مقامات و متخصصین برقراری مجدد ثبات به بخش بانکی و مداخله مالی است. اقدامات فوری ممکن است مانعی محدود کننده برای این وضعیت باشد، اما در اکثر موارد تاخیرها رایج هستند. در این حالت مقامات ممکن است آمادگی لازم برای رویارویی با بحران در حال ظهور را نداشته باشند و آهسته و آکنش نشان دهند و یا امیدوار

هستند که بی‌ثباتی‌ها موقتی باشد و نقاط ضعف بانک‌ها قابل کنترل باشند.

در این فضا، مشکلات مالی با مشکلات سیاسی و اجتماعی در هم تنیده می‌شوند. اینجاست که تاخیر در عمل می‌تواند، عدم اطمینان در مورد وضعیت سیستم مالی،

بحران بانکی می‌تواند حادثه‌ای ناگوار و تلخ باشد. بحران‌ها به طور ناگهانی ظهور می‌کنند که ناشی از وقایع مرتبط و نامرتبط با تغییرات ناگهانی در درک کارگزاران اقتصادی در مورد صحت و سلامت بخش بانکی است. در این وضعیت، هدف مقامات و متخصصین برقراری مجدد ثبات به بخش بانکی و مداخله مالی است

موجب ایجاد ورشکستگی بانک‌ها و کمبود سرمایه می‌شود. شیوع بحران‌های بانکی در سراسر جهان طی چند دهه گذشته باعث شده است تا دولت‌ها رویکردی برای رسیدگی به این مشکلات ایجاد کنند. مزایای جلوگیری از شیوع یک بحران بانکی معمولاً شامل اجتناب از ورشکستگی گسترده و سریالی بانک‌ها و موسسات اعتباری است. همانطور که ذکر شد مداخله در یک فرایند دو مرحله‌ای صورت می‌گیرد. خطر وحشت و هراس سپرده‌گذاران، مشکل فوری است و دولت و بانک مرکزی ابتدا باید تصمیم بگیرند که آیا ارزش دارد هزینه‌هایی را برای جلوگیری از آن بپردازند یا خیر. این مرحله برخی از انواع حمایت از نقدینگی مانند تضمین سپرده‌های بانکی توسط بانک مرکزی را شامل می‌شود. اگر این تضمین در کنترل هراس و وحشت سپرده‌گذاران موفق باشد، دولت و بانک مرکزی پس از آن با هزینه بی‌اعتمادی و بی‌انگیزگی ایجاد شده ناشی از اضطراب گسترده و عمیق مواجه هستند.

اگر منفعت خالص (منفعت مداخله منهای هزینه مداخله) ناشی از فرایند مداخله صفر یا منفی باشد، ممکن است که به دنبال این معیار، دولت تصمیم بگیرد که مداخله نکند ولی در حالتی که منفعت خالص مثبت باشد، به احتمال زیاد دولت مداخله خواهد کرد.

به طور کلی منافع مداخله رسمی در یک بحران بانکی عبارت‌اند از: حفظ یکپارچگی مکانیسم اعتباری، حفظ یکپارچگی سیستم پرداخت، حفظ ثبات مالی، حفظ ثبات اقتصادی ترویج و تبلیغ یک سیستم بانکداری کارآمد و مهم‌تر از همه حفظ آرامش جامعه و ثبات سیاسی و اجتماعی. در نهایت هزینه‌های مداخله در بحران بانکی به دو دسته گسترده هزینه‌های مالی و اقتصادی تقسیم می‌شود که هزینه‌های مالی شامل حمایت نقدینگی و سرمایه‌گذاری مجدد است. هزینه‌های اقتصادی مداخله به علت افزایش مخاطره اخلاقی است. این مخاطره اخلاقی

منافع مداخله رسمی در یک بحران بانکی عبارت‌اند از: حفظ یکپارچگی مکانیسم اعتباری، حفظ یکپارچگی سیستم پرداخت، حفظ ثبات مالی، حفظ ثبات اقتصادی، ترویج و تبلیغ یک سیستم بانکداری کارآمد و مهم‌تر از همه حفظ آرامش جامعه و ثبات سیاسی و اجتماعی

بحران با اقداماتی نظیر حمایت نقدینگی صورت می‌پذیرد.

به طور معمول، یک بحران سیستماتیک بانکی دارای دو بعد اصلی است که نیاز به مداخله دارد: اول، یک بحران نقدینگی که موجب وحشت گسترده سپرده‌گذاران می‌شود و یورش مردم برای دریافت پول هایشان را در پی دارد؛ دوم، کاهش فرایند ارزش‌داری‌ها که



رئیس کمیسیون اقتصادی- بر این موضوع تأکید دارد که افزایش حقوقی اتفاق نیفتاده و حتی از دولت خواسته شده تا با توجه به منابعی که در اختیار دارد، در این رابطه اقدام کند. وی گفته با توجه به افزایش قیمت‌ها دولت می‌تواند حقوق‌ها را در سه ماهه آخر سال افزایش دهد کما این که دولت برای سال آینده هم برنامه پیشنهادی دارد.

این اعلام و همچنین نحوه واریز کمک نقدی به کارکنان بار دیگر بحث افزایش حقوق کارکنان را در ابهام برده به طوری که نشان می‌دهد این واریز نقدی از نگاه مجلس افزایش حقوق نیست و باید دولت در چارچوب ضوابط در این باره اقدام کند.

میلیون تومان دارند مشمول کمک نقدی شوند و آنطور که شریعت‌مداری- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی- اعلام کرد برای کارکنان واریز حدود ۲۰۰ تومانی به همراه حقوق در دستور کار قرار گرفته است.

گرچه به نظر می‌رسید پرداخت نقدی به کارکنانی که کمتر از سه میلیون تومان دریافتی دارند، در قالب افزایش حقوق انجام شود که حقوق آنان ماه برای بخش زیادی از کارکنان در بخش‌های مختلف واریز شد، اما واریز رقم ۲۰۰ هزار تومانی فقط در چند بخش از بازنشسته‌ها و مستعمری‌گیران ظاهر انجام شده و به طور یکدست نبوده است.

این در حالی است که واکنش اخیر پورا ابراهیمی

حمایت از مردم و البته افزایش مجدد حقوق کارکنان مطرح باشد.

جریان از این قرار است که با شدت گرفتن نوسان در بازار ارز و رشد قیمت دلار از حدود ۵۰۰۰ تومان ابتدای سال تا بیش از ۱۵ هزار تومان در اواسط سال جاری و اثرگذاری بر سطح قیمت‌ها و تورم، دولت موضوع حمایت از اقشار کم‌درآمد و اقدام برای پوشش بخشی از آسیب ناشی از نوسان ارزی و شرایط خاص اقتصادی را مطرح کرد که افزایش مجدد حقوق کارکنان بخش مهمی از آن بود که نوبخت- رئیس‌سازمان برنامه و بودجه- آن را اعلام کرد. با این حال طولی نکشید که وی از این خبر داد که افزایش حقوق کارکنان بعد از بررسی‌های انجام شده، در دستور کار نخواهد بود و افزایش حقوق در سال بعد انجام خواهد شد.

گرچه به نظر می‌رسید نباید کارکنان منتظر افزایش مجدد حقوق باشند که اظهارات انصاری- رئیس سازمان اموراداری و استخدامی- دوباره این بحث را باز کرد؛ زمانی که وی در اوایل آبان‌ماه اعلام کرد که بررسی افزایش حقوق کارمندان به کمیسیون اجتماعی دولت ارجاع شده و این کمیسیون در حال بررسی است.

بعد از آن دیگر اعلام صریح و شفاف در مورد افزایش حقوق کارکنان وجود نداشت و پرسش در این رابطه از مسئولان مربوطه بی‌پاسخ‌باقی ماند تا اینکه بسته حمایتی دولت به مرحله اجرا در آمد و طبق آن قرار شد تا در کنار کمک کالایی که به اقشار کم‌درآمد می‌شود، کارکنان دولت در بخش‌های مختلف هم که دریافتی کمتر از سه

بلا تکلیفی افزایش مجدد حقوق کارکنان

افزایش مجدد حقوق کارکنان در سال جاری با وجود بحث‌هایی که در رابطه با آن مطرح شد همچنان مبهم و بلا تکلیف مانده است، از سویی دولتی‌ها اعلام مشخصی درباره آن ندارند و از سویی دیگر توقع افزایش با توجه به شرایط موجود اقتصادی و درآمدی که از محل ارز نصیب دولت شده از طرف نمایندگان و سایر مسئولان وجود دارد. در این بین رقمی هم در حد ۲۰۰ هزار تومان به حساب برخی از حقوق‌گیران واریز شده که خود ابهامات را بیشتر کرده که آیا این همان افزایش حقوق است یا قرار است تصمیم دیگری در کنار آن اخذ شود؟

به گزارش ایسنا، حدود چهار ماه تا پایان سال باقی مانده و در شرایطی که دولت در حال آماده‌سازی لایحه بودجه و پیش‌بینی برای درصد افزایش حقوق کارکنان در سال ۱۳۹۸ است، حواشی حقوقی سال جاری نیز همچنان در جریان است.

افزایش حقوق کارکنان در سال جاری در مجموع پر ماجرا بوده است؛ از زمانی که دولت در سال گذشته لایحه را با حدود ۱۰ درصد به مجلس برد و در نهایت بعد از بحث‌های زیاد به افزایش ۲۰ درصدی پلکانی رسید، تا مرحله اجرا که تا ۱۶ درصد را در دستور کار قرار داد و با مخالفت مجلس مواجه و موظف شد تا ۲۰ درصد را اعمال کند. مدتی از پایان ماجرای حقوقی امسال نگذشته بود که نوسان بازار ارز و اثرگذاری آن بر تورم و سطح قیمت‌ها موجب شد تا حقوقی که متناسب با تورم حدود ۱۰ درصدی برای امسال پیش‌بینی شده بود دیگر پاسخگوی شرایطی با تورم بیش از ۲۳ درصدی فعلی نباشد و بحث